

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

مرحوم علامه طباطبائی (قدس سره) می‌فرماید: آیه شریفه «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» اولاً: در مقام توصیف شأن مکذبین و کفار در روز قیامت است «توصیف لشأنهم يوم القيامة» ثانياً: وزان این آیه، و زان آیه شریفه «يا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ»^[1] می‌باشد.

حال باید بررسی شود آیا هر دو مطلب درست است یا اینکه ممکن است مطلب دیگری استفاده شود؟

بررسی مطلب اول: توصیف شأن مکذبین و کفار در روز قیامت

نقد برکلام علامه طباطبائی در اینکه خطاب در آیه مربوط به قیامت است

سؤال این است چگونه آیه در مقام توصیف شأن مکذبین در قیامت است؟ بله آیه‌ای «يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ» مربوط به قیامت است ولی به چه قرینه‌ای گفته شود این آیه نیز مربوط به قیامت است نه تنها قرینه‌ای بر این مطلب وجود ندارد بلکه خود کلمه‌ی «فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» (بر حسب دو احتمالی که مرحوم شیخ در تبیان بیان فرمودند که شما نمی‌توانید معجز باشید نه در زمین و نه در آسمان)، قرینه‌ی واضح و روشنی است بر اینکه خطاب، خطاب به کفار و به مکذبین روز قیامت، در همین عالم است.

از اینکه خداوند تبارک و تعالی در آیات پیشین چنین می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ بَدَأَ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ»، «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يَنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، «يَعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ» و سپس می‌فرماید «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» شما آدم‌های ضعیفی هستید نه در زمین و نه در آسمان قدرت اینکه خدا را عاجز کنید ندارید، ظهور اولیه‌ی آیه این است که نفس کلمه‌ی «فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» قرینه می‌شود که خطاب مربوط به عالم دنیا است و در این عالم، خداوند متعال می‌فرماید: هیچی نیستید، نه در زمین و نه در آسمان قدرت اینکه خدا را عاجز کنید ندارید.

از آن طرف می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» ولی که متولّی امور شما بشود و کارهای شما را انجام بدهد را هم ندارید، نصیر هم ندارید.

در فرق میان «ولی» و «نصیر» مجمع البیان اینطور بیان می‌کند «و قيل إن الولی الذی یتولی المعونة بنفسه»^[2]، «ولی» آن کسی است که کار را به نفسه خودش انجام می‌دهد مثل «ولی» در ایتام و صبیان که همه کارها را انجام می‌دهد. اما «و النصیر یتولی النصرة تارة بنفسه و تارة بأن یأمر غیره به» نصیر اعم است، یعنی گاهی اوقات خودش انجام می‌دهد و گاهی اوقات نیز دیگری را امر می‌کند و گاهی اوقات هم به کمک آن کسی که عاجز و ضعیف است می‌آید، یعنی آن کسی که ضعیف هست یک مقدار را آن ضعیف انجام می‌دهد و یک مقدار هم این کسی که دارد کمک می‌کند انجام می‌دهد.

در عرف نیز بین «ولی» و «معین» فرق است، «نصیر» یعنی «معین». «معین» یعنی یک مقدار می‌آید کنار کار و کمک می‌کند.

پس اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «و ما انتم بمعجزین فی الأرض و لا فی السماء»، شما نه در زمین و نه در آسمان قدرت ندارید که خدا را عاجز کنید، کنایه از این است که تمام زمین و آسمان در اختیار خدا است.

بنابراین معنای واضح آیه همین است که بیان شد و نفس کلمه‌ای «ارض و سماء» قرینه‌ی روشنی است که این خطاب، خطاب به کفار و خطاب به مکذبین روز قیامت در همین عالم است، یعنی خداوند متعال از آن طرف می‌فرماید: «یعذب من یشاء» در قیامت و از این طرف می‌فرماید: «و ما انتم بمعجزین»، بدانید شما آدمهای ضعیفی هستید و هیچی نیستید، نه در زمین و نه در آسمان قدرت اینکه خدا را عاجز کنید ندارید.

اما طبق بیان مرحوم علامه که فرمودند: آیه «توصیفٌ لشأنهم يوم القيامة» است اگر «توصیفٌ لشأنهم» باشد معنایش اینطور می‌شود: شما معجز نیستید به این معنا که بخواهید فرار کنید از قضاء الهی در روز قیامت، یعنی روز قیامت اگر خدا برای شما جهنم قرار داده باشد کاری نمی‌توانید کنید، هر چه که برای شما مورد قضاء قرار داده باشد همان است.

دیدگاه صاحب تفسیر «کنز الدقائق» در آیه شریفه 22 از سوره عنکبوت

در حالی که صاحب تفسیر «کنز الدقائق» آیه را مربوط به قیامت قرار نداده، وقتی می‌خواهد «فی الارض و لا فی السماء» را معنا کند می‌فرماید: «إن فرتم من قضائه، بالتواری فی الأرض» اگر بخواهی از قضای الهی فرار کنی و متواری در زمین بشوی «و الهبوط فی مهاویها» بخواهی در این روزنها و سوراخ‌های زمین، خودتان را مخفی نگه دارید «و التَّحَصُّنُ فی السَّماء» یا می‌خواهید متحصن در آسمان شوید.^[3]

قرائن بر اینکه خطاب در آیه مربوط به عالم دنیا است

الف). «ارض و سماء» ظهور در همین ارض و سمای دنیوی دارد و خطاب به همین عالم دنیا است «و ما انتم بمعجزین فی الأرض و لا فی السماء» یعنی شما نه در زمین و نه در آسمان نمی‌توانید خدا را معجز باشید، نمی‌توانید خدا را عاجز کنید از آنچه می‌خواهد انجام بدهد «إن الله یفعل ما یشاء».

ب). اگر خطاب مربوط به قیامت باشد چه فایده‌ای دارد؟ مگر قیامت احتمال یا توهم معجز بودن است؟ در حالی که آنجا روزی است که «لِمَنِ الْمُلْكُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^[4]، همه آنجا می‌گویند «لله الواحد القهار»، آنجا در قبضه‌ی قدرت خدا است و نیازی به این بیان نیست پس جای توهم در دنیا است که فرعون بگوید نردبانی بلند درست کنیم تا ببینیم خدای موسی کجا است و او را مثلاً از بین ببریم!

پس توهم معجز بودن در دنیا معنا دارد زیرا کافر در دنیا خودش را مستقل از خدا می‌داند، به قیامتی معتقد نیست و فکر می‌کند هر کاری بخواهد می‌تواند انجام بدهد، لذا خداوند متعال می‌فرماید «و ما انتم بمعجزین فی الارض و لا فی السماء».

اما ارتباط با آیه پیشین؛ مکرر بیان شد که سیاق قرینیت ندارد نمی‌توان گفت چون آیه پیشین مربوط به قیامت است پس این هم باید مربوط به قیامت باشد، البته بی ارتباط نیست و ارتباطش روشن است زیرا خداوند می‌فرماید: راجع به قیامت‌تان این است که «یعذب من یشاء و یرحم من یشاء»، اما بدانید در دنیا هم کاری از دست شما ساخته نیست، فکر نکنید در دنیا بگوئید هر کاری بخواهیم می‌کنیم، نعوذ بالله خدا هم نمی‌تواند کاری انجام بدهد «و ما انتم بمعجزین فی الارض و لا فی السماء»، در همین دنیا «ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر»، ولی و نصیری ندارد.

اینکه مرحوم طباطبائی در تبیین «ما لکم من دون الله من ولی و لا نصیر» می‌فرماید: «ای لیس لکم الیوم ولی من دون الله یتولی أمرکم فیغنیکم من الله و لا نصیر ینصرکم».^[5]

اشکال این است که کلمه‌ای «یوم» از کجا آورده شد؟ آیه شریفه که «یوم» ندارد، معنای آیه این است که: الآن «من دون الله» ولی و نصیر ندارید.

اقسام تعجیز در قیامت به نقل از علامه طباطبائی و نقد آن

در ادامه ایشان می‌فرمایند: «فالأیة۔ کما ترى۔ تنفی ظهورهم علی الله و تعجیزهم له بالخروج و الامتناع عن حکمه بأقسامه»، آیه شریفه نفی می‌کند از اینکه اینها بخواهند خدا را تعجیز کنند، و تعجیز خدا چیست؟ به خروج و امتناع از حکم خدا بأقسامه:

1. «فلا هم یستقلون بذلک» اینها مستقل نیستند تا به تنهایی بخواهند خدا را عاجز کنند، و این «و ما انتم بمعجزین» یعنی «و ما انتم بمستقلین» در تعجیز خدا، به تنهایی بخواهید خدا را عاجز کنید.

2. «و لا غیرهم یستقل بذلک» دیگری هم استقلال ندارد و جمله «و ما لکم من دون الله من ولی» این را می‌خواهد بگوید که کافر خودش نمی‌تواند تعجیز کند اما کسی را دارد که «ولی» این است و او خدا را تعجز می‌کند، این هم نیست «و ما لکم من دون الله من ولی»

3. «و لا المجموع منهم و من غیرهم یعجزه تعالی» خود این کافر و آن «ولی» مجموعاً بخواهد خدا را تعجیز کند، این هم نیست و جمله «ولا نصیر» اشاره به این قسم دارد.^[6]

این بیان مرحوم علامه، بیان لطیفی هست (یعنی خدا می‌فرماید: اقسام تعجیز خدا در روز قیامت منتفی است نه خودتان مستقلاً و نه دیگری به نفع شما مستقلاً و نه مجموعاً می‌توانید خداوند را تعجیز کنید) لکن اول باید اثبات شود که آیه مربوط به قیامت است تا اقسام تعجیزها مربوط به قیامت شود.

در حالی که آیه الآن دارد خطاب می‌کند «و ما انتم بمعجزین الآن» یعنی ظهور در فعلیت دارد. یکی از نکاتی که در بحث ظواهر می‌گویند این است که عناوین ظهور در فعلیت دارد، نمی‌گوید آینده، لذا اگر «و ما انتم بمعجزین» مربوط به قیامت گرفته شود معنای آیه شریفه این می‌شود که شما در آینده معجز نیستید، و این خلاف ظاهر آیه است، البته اگر خداوند تبارک و تعالی فرموده بود «فی القیامه» اشکالی نداشت چون آن هم درست بود ولی آیه ظهور در همین دنیا دارد «و ما انتم بمعجزین الآن»، در این دنیا، نه در روی زمین می‌توانید خدا را عاجز کنید نه در روی آسمان، یعنی هر جا که تصور کنید تحت قبضه‌ی خداست و شما

کاره ای نیستید و دیگری هم نمی‌تواند ولایت این کار را داشته باشد و دیگری هم نمی‌تواند شما را نصرت کند.

پس با قطع نظر از قرینه‌ی «فی الارض و لا فی السماء» اینکه گفته شود «ما انتم بمعجزین فی الآئینده» در قیامت، این خلاف ظاهر دیگری است و ظاهر آیه شریفه در این است که خطاب مربوط به دنیا است نه قیامت.

بررسی مطلب دوم در کلام علامه طباطبایی

اما اینکه ایشان فرمودند: آیه مورد بحث، جاری مجرای آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» می‌باشد کلام صحیحی نیست. توضیح مطلب:

آیه می‌فرماید: «یا معشر»، «معشر» از همان عَشْر، عَشْر که ده‌تایی است و به عدد «ده» يك عدد کامل می‌گویند در مقابل، به عدد «يك تا نه» ناقص گفته می‌شود، به همین خاطر يك جمعیت کامل را عرب می‌گوید «معشر»، خطاب می‌گوید «یا معشر الجن و الانس إِنْ اسْتَطَعْتُمْ» اگر قدرت دارید «أَنْ تَنْفُذُوا» عبور کنید «نفوذ» به معنای «پاره کردن» است اما اینجا یعنی «عبور کردن»، «من اقطار السماوات و الارض» از گوشه‌ها و جوانب و اطراف آسمان و زمین «تَنْفُذُوا» بروید، «لا تَنْفُذُونَ الا بلسطان».

آیه شریفه «یا معشر الجن و الانس» مربوط به دنیا

سؤال اینست که این آیه چگونه ارتباط به قیامت دارد؟ وقتی به تفاسیر مراجعه می‌شود بعضی‌ها گفته‌اند آیه شریفه مربوط به قیامت است بعضی گفته‌اند مربوط به دنیا است، بعضی هم گفته‌اند اعم از دنیا و آخرت است، یعنی يك احتمال سومی هم وجود دارد که آیه مربوط به دنیا و آخرت است.

حالا اگر روایتی در ذیل آیه باشد، روی مبنای مختار که روایات در باب تفسیر آیات نیز حجّت هستند قابل اخذ است و اتفاقاً صاحب مجمع البیان در ذیل این آیه شریفه، این روایت را آورده که روز قیامت که می‌شود خداوند تبارک و تعالی در يك زمینی تمام انس و جنّ را جمع می‌کند، بعد به ملائکه‌ی آسمان دنیا که دو برابر این انس و جنّ زمین هستند دستور می‌دهد که آنها به صورت يك دایره دور اینها قرار بگیرند به ملائکه‌ی آسمان دوم که دو برابر ملائکه‌ی آسمان اول هستند دستور می‌دهد که ببایند حلقه دوم را دور اینها قرار بدهید تا ملائکه‌ی آسمان هفتم که آن حلقه‌ی هفتم را تشکیل می‌دهند بعد این خطاب می‌آید «یا معشر الجن و الانس ان اسْتَطَعْتُمْ» که انس و جنّ می‌بینند که در این محاصره هفت حلقه از ملائکه که حلقه‌ی اول آن فقط دو برابر خودشان است اصلاً نمی‌توانند از اینجا عبور کنند و خارج شوند.^[7]

ولی نکته این است که آیه مربوط به همین عالم دنیا است، آیه می‌فرماید: «یا معشر الجن و الانس ان اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا» بعد می‌فرماید «لا تَنْفُذُونَ الا بلسطان»، یعنی خدا می‌فرماید شما قدرت عبور ندارید مگر «سلطان»! حالا «سلطان» به معنای «اراده‌ی الهی» باشد، اصلاً متأخرین بعضی‌ها از این روشنفکرها «سلطان» را به معنای علم گرفته‌اند، یعنی با «علم» انسان بتواند در آسمان‌ها نفوذ کند، یا با «علم» انسان نفوذ کند در اقطار زمین که این احتمال خیلی بعید است.

آیه مربوط به همین عالم است، خطاب مربوط به معشر جنّ و انس در همین عالم است یعنی خدا می‌گوید هر جا بخواهید بروید تا من اراده نکنم نمی‌شود، هر جا بروید این چنین است، تحت قدرت الهی هستید. حالا همین آیه را روز قیامت هم به يك کیفیتی بخوانند اشکالی ندارد، ولی دلیل بر این نیست که آیه مربوط به قیامت باشد بلکه ظهور اولیه آیه در همین دنیا است و به تناسب

هم در قیامت برای معشر جنّ و انس خوانده می شود. پس نتیجه این شد اینکه مرحوم علامه طباطبائی آیه شریفه «ما انتم بمعجزین» را در قیامت گرفتند و آیه «یا معشر الجن و الانس» را هم مربوط به قیامت گرفتند صحیح نیست و به نظر قاصر می رسد که هیچ کدام مربوط به قیامت نیست.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

-
- [1] □ رحمن، 33.
- [2] □ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 8، 438.
- [3] □ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج 10، 134.
- [4] □ غافر، 16.
- [5] □ «و قوله: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» أی لیس لکم الیوم ولی من دون الله یتولی أمرکم فیغنیکم من الله و لا نصیر ینصرکم فیقوی جانبکم و يتم ناقص قوتکم فیظهرکم علیه سبحانه»، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، 118.
- [6] □ «فالأية - كما ترى - تنفی ظهورهم علی الله و تعجیزهم له بالخروج و الامتناع عن حکمه بأقسامه فلا هم یستقلون بذلك و هو قوله: «وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ» إلخ و لا غیرهم یستقل بذلك و هو قوله: «وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ» و لا المجموع منهم و من غیرهم یعجزه تعالی و هو قوله: «وَلَا نَصِيرٍ». المیزان فی تفسیر القرآن، ج 16، 118.
- [7] □ «روی مسعدة بن صدقة عن کليب قال کنا عند أبی عبد الله (ع) فأنشأ یحدثنا فقال إذا کان یوم القيامة جمع الله العباد فی صعيد واحد و ذلك أنه یوحی إلی السماء الدنيا أن اهبطی بمن فیک فیهبط أهل السماء الدنيا بمثلی من فی الأرض من الجن و الإنس و الملائكة ثم یهبط أهل السماء الثانية بمثل الجميع مرتین فلا یزالون كذلك حتی یهبط أهل سبع سماوات فیصیر الجن و الإنس فی سبع سرادقات من الملائكة ثم ینادی مناد «یا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ إِنَّ اسْتَطَعْتُمْ» الآية فینظرون فإذا قد أحاط بهم سبعة أطواق من الملائكة» مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 9، 311.